

مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی، بر اساس لایه‌های وجودی انسان

محمدعلی قاسمی*

DOI: 10.22096/RC.2021.244788

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴]

چکیده

بی‌تردید امروزه دانش سیاسی اسلامی در سطح مجامع علمی، به عنوان یک رشته مستقل مطرح است و قرآن کریم، مهم‌ترین کتاب هدایت که تحریف‌ناپذیر است، به عرصه‌های هدایت سیاسی نیز پرداخته است. از سوی دیگر، نسبت‌سنجی میان دانش‌های جدید با متون دینی از دغدغه‌های دینداران در جهان معاصر است. بر این اساس، پژوهش حاضر به بررسی چگونگی تأثیرگذاری معنادار قرآن کریم در پیدایش، بیان ریزگزاره‌ها و گسترش دانش سیاسی اسلامی می‌پردازد. (مسئله) کشف این تأثیرگذاری با تفسیر و تحلیل آیات الهی بر اساس قواعد تفسیر میسر است. (فرضیه) بررسی این فرضیه منوط به بررسی آیات الهی با رویکرد میان‌رشته‌ای و دانش درجه دوم است (روش و رویکرد) تا با توجه به لایه‌های وجودی انسان از نگاه قرآن و تقسیم علوم بر این اساس، به بررسی و نقش قرآن و تأثیرگذاری آن در کلام سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی بپردازیم (گستره پژوهش)؛ با این هدف که گستره تأثیرگذاری آیات الهی در حوزه دانش‌های سیاسی یادشده تبیین شود (هدف) و در نتیجه روشن گردد که قرآن کریم سرچشمه آغاز کلام سیاسی، اخلاق سیاسی، فقه سیاسی و ایجاد ادبیات سیاسی اسلامی است و با ایجاد مفاهیم و مسائل دانش‌های یادشده صورت گرفته و همه گسترش‌های بعد از آن مدیون هدایت سیاسی قرآن در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای وجودی انسان است (یافته‌ها).

واژگان کلیدی: قرآن کریم؛ مرجعیت علمی؛ علوم سیاسی؛ کلام سیاسی؛ اخلاق سیاسی؛ فقه سیاسی.

مقدمه

بی‌تردید قرآن کریم جامع‌ترین کتاب هدایت و مصون از تحریف است و مهم‌ترین کارکرد آن هدایت مردم به سوی رشد و کمال و بهره‌مندی انسان از مواهب الهی در راستای سعادت خویش می‌باشد: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره، ۲) و هدایت و بشارت برای مؤمنان (بقره، ۹۷؛ نحل، ۶۴) بلکه هدایت برای همه انسان‌هاست: «هُدًى لِّلنَّاسِ» (بقره، ۱۸۵) بنابراین قرآن کریم چون نوری در ظلمات، نقش هدایتگری و امنیت‌بخشی دارد. در نتیجه هر آنچه در هدایت انسان تأثیرگذار است، در شمار کارکردهای معنوی این کتاب آسمانی است و هدایت سیاسی که بخش عمده‌ای از مسائل مرتبط با هدایت و ضلالت را در برمی‌گیرد نیز توسط قرآن کریم بیان شده است.

بر این اساس محور اصلی مقاله حاضر، بررسی نقش قرآن کریم در پیدایش و گسترش دانش سیاسی اسلامی است و روش و رویکرد آن از سنخ علم‌شناسی و دانش‌های درجه دوم خواهد بود و مناسب‌ترین شکل ورود به تحقیق در این موضوع، بهره‌گیری از مباحث میان‌رشته‌ای است.

مهم‌ترین نکته در سامان‌دهی پژوهش حاضر این است که روش قرآن کریم و منشأ اصلی در تبیین مطالب، موضوع‌محور نیست؛ بدین معنا که منشأ اصلی تقسیم مطالب، موضوع علم نیست، بلکه آیات الهی از روش دیگری بهره‌جسته‌اند که می‌توان آن را «روش انسان‌محور» نام نهاد.^۱ به همین دلیل قرآن کریم، خود را کتاب هدایت و سعادت معرفی می‌کند تا مردم را با دین و آیین اسلام و راه هدایت و سعادت آشنا سازد. آنچه بیش از هر چیز برای قرآن اهمیت دارد، انسان، نیازها و عوامل سعادت دنیوی و اخروی اوست.

بنابر این نکته و با توجه به سخن امام خمینی (ره) آنچه انبیا و قرآن کریم فرموده‌اند، با توجه به لایه‌های وجودی انسان بیان شده است. انسان دارای سه لایه اصلی است: ۱. نفس و قلب؛ ۲. ظاهر و رفتار؛ ۳. روح و عقل.^۲ قرآن کریم نیز سه محور اصلی دین را متناسب با لایه‌های وجود انسان مطرح کرده است: ۱. در برابر لایه نفس انسان، اخلاق و فضایل و رذایل اخلاقی را طرح کرده است؛ ۲. در تراز لایه عقل، علم کلام و استدلال‌های عقلانی مطرح کرده است؛ ۳. در بخش لایه ظاهر و رفتار و عمل خارجی انسان، دانش فقه را قرار داده است.

۱. البته این سخن به معنای نبودن موضوع در پژوهش‌ها و دانش‌های تدوین شده از سوی دانشوران اسلامی نیست؛ بلکه بدین معناست که همت و تلاش اساسی و نخست و علت تقسیم موضوع نبوده و نیاز انسان و پوشش لایه‌های وجودی وی مورد نظر بوده است.

۲. نك: امام خمینی، ۱۳۷۱: ۳۸۶.

آیات قرآن در صددند تا به نیازهای انسان در مسیر سعادت پاسخ گویند. ازاین‌رو در زمینه هر موضوعی ازجمله سیاست، سه سطح از مباحث متناسب با لایه‌ها و مراتب وجودی انسان را می‌بینیم که به مرور زمان و توسط شرح و بسط عالمان دینی به دانش‌های متناسب با لایه‌های وجودی انسان تبدیل می‌شوند.

نظریه لایه‌های سه‌گانه وجودی انسان و ساختار دانش سیاسی اسلامی

ردیف	لایه وجودی انسان	دانش عام	دانش اسلامی	دانش سیاسی
۱	عقل / باور / بینش	هر دانشی که با تقویت یا تضعیف باورهای انسان مرتبط باشد.	حکمت و کلام اسلامی	کلام سیاسی
۲	قلب / گرایش / حب و بغض	اخلاق و عرفان	عرفان و اخلاق اسلامی	اخلاق سیاسی
۳	حواس / کنش / رفتار	علوم انسانی و تجربی	فقه و علوم انسانی	فقه سیاسی

یادآوری: برخی دانش‌ها مانند دانش تفسیر و علوم حدیث هر سه لایه وجودی انسان (جنبه‌های عقلی، بینش‌ها و باورهای قلبی) و حیث حواس و کنش و رفتارهای ظاهری انسان را پوشش می‌دهند.

با توجه به نکات پیش‌گفته، آنچه قرآن کریم در زمینه باید و نباید در افعال مکلفان در حوزه سیاست فرموده است، به عنوان «فقه سیاسی» مطرح می‌شود و آن‌گاه که آیات الهی به تبیین اخلاق، فضایل و رذایل اخلاقی می‌پردازند، فضایل و رذایل در حوزه رفتارهای سیاسی را نیز تبیین می‌کنند. هم‌چنین در بررسی مباحث کلامی افزون بر حوزه‌های دیگر، مباحث کلام سیاسی و فلسفه سیاست را نیز تبیین می‌کنند.

بنابراین در این پژوهش به بررسی مرجعیت و تأثیرگذاری قرآن کریم در حوزه‌های مرتبط با علوم سیاسی در سه حوزه: کلام سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی می‌پردازیم، تا گستره تأثیرگذاری قرآن در حوزه‌های مختلف یادشده روشن گردد.

۱. مفاهیم

دو واژه و مفهوم کلیدی «مرجعیت علمی» و «علوم سیاسی» نیازمند شرح و بسطی است که این پژوهش بر اساس آن معنا آن‌ها را به کار می‌گیرد. بنابراین نخست به مفهوم‌شناسی این واژگان کلیدی می‌پردازیم.

۱-۱. مرجعیت علمی

«رجع» به معنای «عاد» یا «انصرف» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲ / ۴۹۰) و «مرجع» به معنای «محل رجوع و جای بازگشت» آمده است (معین، ۱۳۷۱: ۳ / ۳۹۹۶) «مرجعیت» مصدر جعلی از ماده «رجع» به معنای بازگشتن است.^۱

در این پژوهش معانی «مرجعیت علمی قرآن کریم» اهمیت ویژه‌ای دارد. مرجعیت به معنای کشف مسائل موضوع از قرآن است که به صورت تفسیر موضعی قرآن، مرجع پژوهش قرار می‌گیرد؛ بدین معنا که دانشیان می‌توانند از این منبع معرفتی در حوزه اهداف، مبانی و... علوم مختلف به‌ویژه علوم انسانی استفاده کنند.^۲

در نظرگاهی دیگر «مرجعیت» به این معناست که می‌توان از داده‌ها و اطلاعات قرآن برای تأسیس، تکمیل و تحول علوم انسانی بهره جست،^۳ یا به معنای پذیرش حاکمیت قرآن در زمینه نگرش‌های اعتقادی و کنترل کنش‌های انسانی در زمینه حکمت عملی و قرار دادن تلاش‌های علمی انسان در جهت رسیدن به سعادت و کمال حقیقی است؛ به گونه‌ای که روح توحید در ابعاد و جنبه‌های گوناگون دانش بشری سریان و حضور داشته باشد.^۴

در نظر برخی مرجعیت به معنای سنجش گزاره‌های دانش با قرآن است. به این معنا، باید تمام گزاره‌های یکی از عرصه‌های علوم انسانی در قرآن بیان شده باشد و یا اگر در قرآن نیامده است، با مبانی، متد، محتوا و غایات الهی در تعارض نباشد.^۵

معنای دیگر این است که مرجعیت به معنای پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای بشر باشد؛ بدین معنا که پرسش و مسئله نوپدید در هر یک از عرصه‌های زندگی بشر، به قرآن عرضه می‌شود و با رعایت قواعد عام و خاص تفسیری، پاسخ قرآن کریم به دست می‌آید.^۶ یا ممکن است به معنای جهت‌دهی قرآن باشد. در این معنا مبانی و اهداف علوم تحت تأثیر قرآن کریم و متأثر از آن جهت‌دهی می‌شوند. این معنا، با عنوان «تحول علوم انسانی» مورد توجه و اشاره مقام معظم رهبری و آیت‌الله مصباح قرار گرفته است.^۷

۱. نك: ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۱۴۱.

۲. نك: رضائی، ۱۳۹۶: ۱۵.

۳. نك: عالمی، ۱۳۹۶: ۱ / ۱۲۰.

۴. نك: طوسی و عالمی، ۱۳۹۶: ۱۴۴.

۵. نك: عظیمی، ۱۳۹۶: ۱۶۴.

۶. نك: رضائی، ۱۳۹۲: ۲۳۲.

۷. نك: رضائی، آذر ۱۳۸۸. قابل دسترسی در: www.farsi.khamenei.ir

یا این که مرجعیت به معنای مرجع و منبع معرفتی باشد؛ یعنی معارف علوم انسانی یا تجربی منحصر در تجربه (حس و عقل) نباشد؛ بلکه از طریق ماورایی و وحی تأمین شود. در نتیجه همان سان که یک نظریه علمی بر اساس تجربه و عقل شکل گرفته و اثبات می‌شود، با مرجعیت قرآن بر اساس آیات الهی شکل بگیرد و بر اساس ادله قرآنی تدوین شود. بنابراین نظریه‌پردازی قرآن درباره مسائل علوم انسانی و گاه تجربی شکل می‌گیرد.^۱

معنای برگزیده پژوهش حاضر این است که مرجعیت علمی قرآن کریم به معنای تأثیرگذاری معنادار قرآن بر دانش است؛ به این معنا که اثرگذاری به معنای تأثیر در الگوی دانش و تأثیر در جهت‌دهی و اثرگذاری بر مسائل، مبانی و روش، به صورت تأسیسی یا تکمیلی و اصلاحی مورد نظر است؛ به گونه‌ای که پس از بررسی تأثیر جامع بر دانش سیاسی، نتیجه به‌دست آمده، دانشی متفاوت از دانش عرفی موجود خواهد بود.

با توجه به این نکات، مرجعیت به معنای پارادایمی است و منظور از تأثیرگذاری و مرجعیت قرآن کریم معنای پارادایم کوهنی است؛ به این معنا که هر مثال و هر تأثیر قرآن بر مفاهیم و نظریه‌های یک دانش، سبب توسعه و ترویج یا تأیید پارادایم حاکم است؛ اما وقتی به طور کلی و با لحاظ همه موارد تأسیسی قرآن در دانش سیاسی نیز مورد ملاحظه قرار گیرد، بنای قبلی فرو می‌ریزد و پی‌ریزی یک دانش جدید آغاز می‌شود. در نتیجه مرجعیت به معنای تأثیرگذاری در سطوح مختلفی است که می‌تواند به ارائه دانش سیاسی متفاوتی از دانش سیاسی مرسوم منجر شود.

۲-۱. علوم سیاسی

سیاست هرچه باشد، دانش سیاسی به مطالعه آن می‌پردازد. تعاریف مختلفی در لغت و اصطلاح برای واژه «سیاست» بیان شده است. گاه سیاست به عنوان فن و کنش اجتماعی، با عبارتی مانند: «آنچه مربوط به شهر، اداره آن و متعلقات آن است» یا «سیاست، فن حکومت بر جوامع انسانی» (جاسمی، ۱۳۵۷: ۲۵۴) یا «مجموعه تدابیری است که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند.» (آقابخشایشی و افشاری راد، ۱۳۷۴: ۲۰۲) و گاه «هر امری که مربوط به دولت، مدیریت، تعیین شکل، مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد، از مقوله امور سیاسی است.» (آشوری، ۱۳۹۴: ۲۱۲) در این دسته تعاریف «سیاست» به عنوان فن / پدیده‌ای است که با جامعه و مردم مرتبط است.

در معنای دوم، سیاست به عنوان یک علم و رشته علمی تعریف می‌شود: «سیاست، علم حکومت بر کشور است.» (بابایی و آقایی، ۱۳۹۴: ۳۹۳) برخی آن را علمی می‌دانند که به ما

می‌آموزد: چه کسی می‌برد؟ چه می‌برد؟ کجا می‌برد؟ چگونه می‌برد و چرا می‌برد؟ (همان) یا برخی بر این نظرند که «سیاست مطالعه دولت است.» (جاسمی، ۱۳۵۷: ۲۵۴) در این نوع تعریف‌ها منظور دانشوران از «سیاست» یک رشته تخصصی و علمی در کنار دیگر رشته‌ها مانند علم اقتصاد، علم حقوق و... است.

از دیدگاهی دیگر، گاه تعریف سیاست بر اساس غایت آن صورت می‌گیرد.^۱ تعریف‌های غایت‌گرا به سه دسته تقسیم می‌شود. در پاره‌ای تعریف‌ها، مقصد و غایت سیاست، افزونی قدرت صاحبان آن است که در نگاه افرادی مانند ماکیاوولی، هابز، مورگنتا و در پی آنان افرادی همچون میشل فوکو مطرح شده است. هابز می‌گوید: «از نظر من یک خواست دائمی و خستگی‌ناپذیر برای قدرت که تنها با مرگ آدمی پایان می‌گیرد، در تمام آدم‌ها وجود دارد.» (هابز، ۱۳۸۵: ۸۰) در اندیشه میشل فوکو مسئله قدرت در همه جا جاری است که به روش‌ها و منش‌های گوناگون ابراز می‌شود.^۲

غایت دیگر سیاست همان تنظیم و ساماندهی و نظم بخشیدن امور است و دولت به مثابه پلیس شب در پی ایجاد و برقراری امنیت، ایجاد نظم در جامعه و حفاظت از منافع همه افراد جامعه است. این شیوه نگرش در نظریه‌های مدرن به ویژه مکتب لیبرالیسم برجسته می‌باشد.^۳

در رویکرد سوم، سیاست با غایت فضیلت و سعادت تعریف می‌شود.^۴ از دیدگاه ارسطو سیاست خیری است که به انسان می‌رسد.^۵ توماس آکویناس با همسان‌سازی سیاست و حکومت، آن را هدایت‌گر و ایفا کننده نقش کشتی برای رساندن بار به منزل فضیلت و پارسایی و نعمت همجواری خدا تعریف می‌کند.^۶

دانشوران اسلامی نیز از زاویه‌ای اخلاق‌مدارانه، سیاست را با توجه به غایت آن (سعادت کامل بشری) و رسیدن به مطلوب تعریف کرده‌اند.^۷ از دیدگاه ملاصدرا سیاست به معنای تدبیر و هدایت جامعه از دنیا به سوی آخرت، به منظور تقرب به خداوند متعال می‌باشد. چنین سیاستی به انبیا، ائمه و علمای واجد شرایط اختصاص دارد.^۸ حضرت امام خمینی (ره) با توجه به غایت سیاست، آن را هدایت‌گر جامعه به سوی صلاح و سعادت عینی، یعنی همان

۱. نک: بهروزی لک، ۱۳۹۲: ۴۰.

۲. نک: نوابخش و کریمی، ۱۳۸۸: ۴۹.

۳. نک: وینسنت، ۱۳۸۳: ۲۱-۲۲.

۴. نک: فاستر، ۱۳۵۸: ۱/۴۵۲-۴۵۴.

۵. نک: ارسطو، ۱۳۸۵: ۱۴.

۶. نک: فاستر، ۱۳۵۸: ۵۴.

۷. نک: طوسی، ۱۳۶۰: ۷۱.

۸. نک: لک‌زایی، ۱۳۸۱: ۸۴-۸۶.

مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی... / قاسمی ۱۰۱

کار انبیا می‌داند^۱ در سخنی دیگر سیاست را روابط میان حاکم و حکومت‌ها و جلوگیری از مفاسد معرفی می‌کند.^۲ در این تعاریف، قدرت وسیله‌ای برای رسیدن به مقاصد متعالی و اهداف مقدس و بلند تعریف شده است.^۳ بر این اساس، ویژگی‌های سیاست اسلامی عبارتند از: «ترغیب مردم به شناسایی خداوند و قدرت لایزال او، به کسب علم و دانش، تهذیب اخلاق و تزکیه نفس و استقرار مساوات و مواسات بین افراد و رسیدن به مرز صلح و آرامش خاطر و یافتن لیاقت به عنوان خلیفه الهی در زمین.» (مدنی، ۱۳۷۲، ۸ / ۱) بررسی‌ها نشان می‌دهد که این تعریف‌ها در گذر تاریخ و بر اساس دریافت‌های مختلفی از سیاست صورت یافته‌اند؛ در نتیجه، هدف و مقصدی که برای آن می‌دیدند، با یکدیگر متفاوت است.^۴

بنابراین «هدف مطالعات سیاسی به این معنا کشف قوانین مربوط به اشکال گوناگون روابط قدرت در جوامع انسانی و جهت این روابط و معرفی و شناساندن آنها به صورت سامان‌یافته است.» (ابوالحمد، ۱۳۸۴: ۳۳) در نتیجه، علوم سیاسی به عنوان یک دانش سازمان‌یافته و رشته‌ای با انسجام منطقی است که در آن نوعی سنت آکادمیک مطالعه سیاست وجود دارد. بر این اساس بایسته است که به عنوان یک رشته علمی شناخته شود.^۵

با توجه به تعریف برگزیده، دانش سیاسی عبارت است از دانشی که به مطالعه فعل سیاسی (همان رابطه فرمان‌روایی و فرمان‌بری با منشأ قدرت) در جامعه می‌پردازد. به عبارت دقیق‌تر: سیاست، دانش مطالعه رابطه قدرت در جامعه است.

۲. مرجعیت قرآن در کلام سیاسی

قرآن کریم در راستای بی‌نیازسازی و اقتناع انسان از جهت اعتقادی و عقلی در عرصه مسائل سیاسی، مؤسس کلام سیاسی شناخته می‌شود. در تعریف شهید مطهری: «علم کلام، علمی است که از عقاید اسلامی یعنی آنچه ایمان و اعتقاد بدان واجب است، بحث می‌کند و به تبیین و توضیح آن و استدلال بر آن‌ها و دفاع از حریم آن می‌پردازد.» (مطهری، ۱۳۷۲: ۲ / ۳)، بنابر چنین تعریفی از علم کلام می‌توان کلام سیاسی را نیز چنین تعریف کرد: «کلام سیاسی شاخه‌ای از علم کلام

۱. نك: امام خمینی، ۱۳۹۱: ۴۲۲ / ۱۳.

۲. نك: امام خمینی، ۱۳۹۱: ۲۳۹ / ۱.

۳. نك: فراتی، ۱۳۹۰: ۹۰.

۴. نك: بشیریه، ۱۳۸۷: ۸۳.

۵. نك: مارش، ۱۳۹۲: ۲۴.

است که در صدد تبیین و دفاع از مواضع و عقاید دینی در قلمرو مسائل سیاسی و اجتماعی می‌باشد». قرآن کریم در جنبه‌های مختلف کلام سیاسی تأثیری ژرف دارد:

۲-۱. تأثیر قرآن در مفاهیم کلام سیاسی

قرآن کریم منشأ تأسیس کلام سیاسی است. همه متکلمان، ولایتی را که قرآن کریم به عنوان فعل خدا معرفی کرده، یکی از مهم‌ترین مسائل کلام می‌دانند. برخی آن را در ضمن مباحث امامت آورده‌اند و برخی دیگر آن را به عنوان یک موضوع مستقل تحلیل کرده‌اند.^۱

یکی از مهم‌ترین مفاهیم کلام سیاسی، مفهوم «امامت» یا «اولی الامر» به‌ویژه در نظریه شیعه است که قرآن آن را مطرح کرده است. همان سان که از دیدگاه برخی دانشیان، در مذهب امامیه نصب امام بر خداوند واجب است و مسئله امامت از مسائل کلامی است^۲ خداوند در قرآن اطاعت از «اولی الامر» را به صورت مطلق واجب کرده (نساء، ۵۹) و تعیین امام و رهبر را اکمال دین و اتمام نعمت معرفی می‌کند. (مائده، ۳) بنابراین قرآن کریم به صورت تأسیسی به تعیین ولایت امر پرداخته است.

۲-۲. تأثیر قرآن در مسئله مشروعیت

یکی از مباحث مهم کلام اسلامی، بحث «مشروعیت» است. به طور خلاصه مشروعیت به معنای «توجیه عقلانی اعمال سلطه و اطاعت» است.^۳ نظریه‌های گوناگونی در این باره از سوی دانشوران این عرصه از جمله نظریه «قرارداد اجتماعی»، نظریه «رضایت عمومی»، نظریه «رای اکثریت»، نظریه «عدالت» و نظریه «سعادت عمومی» مطرح شده است؛ اما قرآن کریم به طور کلی در این مسئله تأثیر نهاده و جهت ویژه‌ای به مشروعیت حاکمیت و مؤلفه‌های آن می‌دهد.

اشکال اساسی سه نظریه یادشده (قرارداد اجتماعی، رضایت عمومی، رای اکثریت) این است که صرف قرارداد یا رضایتمندی یا رای اکثریت نمی‌تواند برای کسانی که اقلیت شمرده می‌شوند، الزام‌آور باشد؛ افزون بر این که اگر فرمان حکومتی طبق خواست اکثریت یا قرارداد غیراخلاقی باشد، چگونه می‌تواند برای همگان الزام سیاسی بیاورد. به عبارت دقیق‌تر: واقع و حقیقت نمی‌تواند در گروهی قرارداد یا رضایت عمومی و رای اکثر باشد.^۴ بنابراین قرارداد و پیمان در نگاه قرآنی نیازمند ملاک مشروعیت است.

۱. نك: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۱۷۷.

۲. نك: جوادی آملی، ۱۳۶۸: ۱۴۱-۱۴۲.

۳. نك: لاریجانی، ۱۳۷۶: ۲۵.

۴. نك: لاریجانی، ۱۳۷۶: ۳۷.

اشکال نظریه «عدالت» و «سعادت عمومی» این است که معیار تشخیص عدالت و سعادت عمومی را چه کسی تعیین می‌کند؛ زیرا تشخیص ارزش‌های اخلاقی صحیح و مصادیق درست عدالت در بسیاری از موارد، تنها با راهنمایی و هدایت وحی امکان‌پذیر است و عقل و تجربه به‌تنهایی راه به جایی نمی‌برند.^۱

تأثیرگذاری قرآن در زمینه مشروعیت، این است که هیچ‌یک از نظریه‌های یاد شده را نمی‌پذیرد و مشروعیت دیگری را ارائه می‌دهد. قرآن کریم با بیان مالکیت (آل عمران، ۱۰۹)، ولایت الهی (شوری، ۹)، سلطنت (آل عمران، ۲۶)، حاکمیت (انعام، ۵۷-۶۲؛ یوسف، ۶۸؛ قصص، ۷۰)، ربوبیت (حمد، ۱) و دیگر صفات خداوند بر این نکته تأکید می‌کند که مشروعیت باید الهی باشد. برای نمونه: در آیه ۲۵۴ سوره بقره ویژگی‌هایی را بیان می‌کند که می‌تواند به عنوان مؤلفه‌های مشروعیت به شمار آید: قائم به ذات بودن «الحی القيوم»؛ مالک مطلق هستی «له ما فی السماوات و الارض»، احاطه عملی کامل و خطاناپذیر: «یعلم ما بین یدیهما و ما خلفهم و لایحیطون بشیء من عمله» عظمت و برتری «کرسی» او بر تمام هستی، «وَسِعَ کُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ» (بقره، ۲۵۶) باعث می‌شود که بر غیر خود برتری داشته باشد: «و هو العلی العظیم» و تنها مشروعیت درست، مشروعیت الهی باشد.

در آیات دیگری نیز بیان می‌کند: هرگز برای دیگران اختیاری در تکوین و تشریح نیست. خداوند منزله و برتر از آن است که برای او شریک قرار داده شود. «(قصص، ۶۸) پس انسان‌ها در برابر قدرت و عظمت او هیچ اختیاری ندارند؛ از این رو او حکم می‌کند و هرگز کسی نمی‌تواند حکم او را بازگرداند. (رعد، ۴۱) سپس این ولایت را به پیامبرش نیز می‌دهد: «الَّتِیْ أُولَیِّ بِالْمُؤْمِنِیْنَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (احزاب، ۶) و ولایت او را سرآمد همه ولایت‌ها و اختیارات می‌شمارد. دلیل چنین ولایتی خطاناپذیری ذات حق و معصوم بودن پیامبر (ص) اعلام می‌شود. (یونس، ۳۵) قرآن کریم ملاک مشروعیت را هادی بودن ذاتی و بی‌نیازی از هدایت دیگران معرفی می‌کند و عبارت «یَدْبُرُ الْأُمُورَ» (یونس، ۳) همان‌سان که شیخ طوسی تفسیر کرده، به معنای مالکیت و تدبیر و تصرف در خلق، بین امر و نهی است.^۲

بنابراین تأثیر قرآن در مسئله مشروعیت، به صورت تأسیسی است؛ به این معنا که مشروعیت الهی را می‌پذیرد و ویژگی‌ها، دلایل و چگونگی آن را بیان می‌کند و بدین وسیله دیگر نظریه‌های مشروعیت مانند: نظریه «عدالت»، نظریه «سعادت عمومی»، نظریه «قرارداد اجتماعی»، نظریه «رضایت عمومی» و نظریه «رأی اکثریت» را نمی‌پذیرد و منشأ مشروعیت‌های غیر الهی را مردود می‌داند.

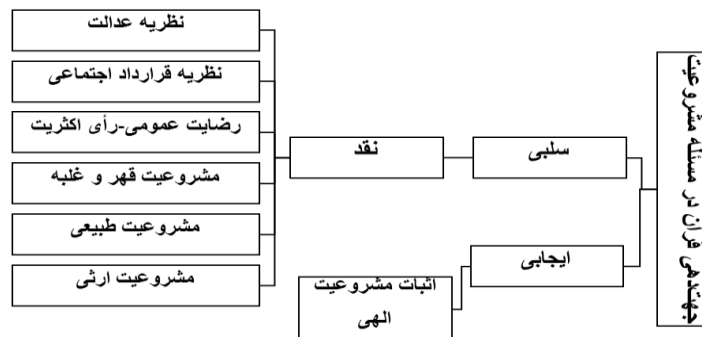
۱. نك: مصباح یزدی، ۱۳۶۹: ۲۶۸.

۲. نك: طوسی، ۱۳۶۱: ۵ / ۳۳۴.

حکومت فرعون، حکومتی مبتنی بر مشروعیت قهر و غلبه بود. قرآن برخورد فرعون و اطرافیان او را با حضرت موسی (ع) نفی و نکوهش می‌کند. (اعراف، ۱۲۷؛ قصص، ۴) افزون بر دلالت این آیات بر نفی مشروعیت قهر و غلبه، همه آیات نفی ظلم، با شمول اطلاقی یا عموم خود، شامل این‌گونه مشروعیت می‌شوند و آن را نفی می‌کنند. (انعام، ۲۱) قرآن کریم مشروعیت با منشأ شیخوخیت و وراثت یا همان مشروعیت سنتی (بقره، ۱۲۴) و مشروعیت مبتنی بر نژاد و ساختار بدنی را نیز رد می‌کند. (حجرات، ۱۳)

با توجه به این نکات، مرجعیت و اثرگذاری قرآن کریم بر مسئله مشروعیت، با تأثیر از نفی دیگر مشروعیت‌ها و نظریه‌های مشروعیت و تأسیس و تبیین مشروعیت الهی صورت می‌گیرد. در نتیجه، مشروعیت حاکمیت در دانش سیاسی قرآن بنیان، با مشروعیت حاکمیت در نظریه‌های غیرقرآنی تفاوت ماهوی دارد؛ زیرا اصل ضرورت حکومت، با امضا و نظر عرف عقلائی عالم اثبات می‌شود و با نفی حکومت طاغوت یا معرفی حکومت غیردینی به عنوان حکومت طاغوت، وجود دانش سیاسی برای تأسیس حکومت اسلامی ضرورت می‌یابد.

جدول جهت‌دهی قرآن به مسئله مشروعیت



۲-۳. تأثیر قرآن در مسئله رهبری سیاسی

مسئله رهبری با رویکردها و کارکردهای مختلف در دانش‌های سیاسی همچون: کلام سیاسی، فقه سیاسی، اخلاق سیاسی و فلسفه سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اما شاید بتوان یکی از مهم‌ترین مسائل دانش کلام را مسئله رهبری دانست.

با توجه به انحصار مشروعیت و ولایت در مشروعیت الهی، کسی می‌تواند حاکمیت مشروع داشته باشد که از سوی خداوند به او ولایت و حاکمیت اعطا شده باشد و این اثرگذاری توسط

مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی... / فاسمی ۱۰۵

آیات فراوانی بیان شده است. باید توجه داشت که از آیه «الَّتِي أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (احزاب، ۶) ولایت مطلق پیامبر (ص) بر همه افراد به دست می‌آید. شیخ طوسی در تفسیر تبیان (طوسی، بی تا: ۸ / ۳۱۷)، مرحوم فیض کاشانی در تفسیر الصافی (فیض، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۶۴) مرحوم طبرسی در مجمع البیان (طبرسی، ۱۴۱۵: ۴ / ۳۳۸) و حتی زمخشری در کشف (زمخشری، بی تا: ۳ / ۵۲۳) در تفسیر آیه شریفه، ولایت و اولویت مطلق رسول خدا (ص) را در همه امور نتیجه گرفته‌اند.

قرآن در بحث امامت و رهبری نیز تأثیر می‌گذارد و امام را کسی معرفی می‌کند که با فرمان الهی، راهنما و هدایت‌کننده انسان به سوی خداست؛ آیاتی چون: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء، ۷۳) و «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره، ۱۲۴) به ضمیمه آیات ولایت (مائده، ۵۵)، اولی الامر (نساء، ۵۹)، تبلیغ (مائده، ۶۶) دلالت بر امامت و برخی از ویژگی‌ها و چگونگی تعیین آن دارند. در مجموع تأثیرگذاری قرآن کریم بر مسئله رهبری این است که اولین شرط رهبر حقیقی را هدایت‌گری، عصمت و پاکی معرفی می‌کند.

۳. مرجعیت قرآن در اخلاق سیاسی

«اخلاق» جمع «خَلْق» به معنای سرشت باطنی^۱ و در نظر مشهور عالمان اخلاق، به معنای صفات نفسانی راسخ^۲ است. اخلاق سیاسی عبارت است از بایدها و نبایدهایی که در رفتار سیاسی انسان تأثیرگذار است که به دو بخش اخلاق سیاست و زمامداری و اخلاق بین‌المللی تقسیم می‌شود.^۳

۳-۱. تأثیر قرآن بر اصالت اخلاق

برخی مانند ماکیاولی بر این عقیده‌اند که قلمرو اخلاق از سیاست جداست و پابندی به اخلاق در عرصه سیاست چیزی جز شکست به دنبال نخواهد داشت؛ از این رو به شهریار و سلطان توصیه می‌کند که باید دروغ خود را به گونه‌ای بگویند که مردم می‌پسندند و لازم نیست واقعاً به آن صفات متصف باشند.^۴ برخی به اصالت سیاست و بی‌روی اخلاق از سیاست معتقدند؛ به گونه‌ای که همه رفتارهای اخلاقی، خواه فردی یا اجتماعی تحت سیطره سیاست است و ارزش‌های اخلاقی،

۱. نك: راغب، ۱۴۱۲: ۲۹۶.

۲. نك: فیض کاشانی، بی تا: ۵ / ۹۵.

۳. نك: شریفی، ۱۳۸۸: ۹۸-۹۹.

۴. نك: ماکیاولی، ۱۳۹۴: ۱۱۷-۱۱۸.

ابزاری بیش نخواهند بود.^۱ بعضی نیز بر این باورند که اخلاق و سیاست جمع نمی‌شوند؛ از این رو حاکمی که خویش را مقید و پایبند به دستورات اخلاقی بداند، در واقع مغز سیاسی ندارد و هرگز حکومتش پایدار نمی‌ماند.^۲

در برابر این دیدگاه‌ها قرآن کریم بر اصالت اخلاق و پی‌روی سیاست از اخلاق تأکید می‌کند؛ بنابراین معیارها و ملاکات اخلاقی در همه زمان‌ها، مکان‌ها و برای همه افراد، خواه زمامداران و خواه شهروندان عادی لازم‌الاجراست. نیکویی عمل و انصاف به فضیلت‌ها و زشتی انصاف به زدیلت‌ها برای همه یکسان است؛ بلکه اهمیت آن برای دولتمران بیشتر از مردم عادی است و وظایف اخلاقی متقابل مردم و دولتمران و وظایف اخلاقی مسلمانان با غیرمسلمانان و کافران بر این اساس تبیین می‌شود.

۳-۲. تأثیر قرآن بر وظایف اخلاقی مردم در برابر رهبر و دولت اسلامی

قرآن کریم نقش به‌سزایی در تبیین وظایف اخلاقی مردم در برابر رهبر جامعه اسلامی دارد، که برخی از آنها عبارتند از:

۳-۲-۱. لزوم پیروی و بیعت

«بیعت» از ریشه «بیع» به این معناست که گویا یکی از دو سوی بیعت، آنچه را نزد خویش دارد، با طرف مقابل معامله می‌کند.^۳ در قرآن کریم نخستین هم‌گرایی و تعامل میان مردم و حکومت و رهبری، اطاعت و بیعت است.

در نگاه قرآن آنچه نشاط و استحکام جامعه را تضمین و از سستی و ناامیدی جلوگیری می‌کند، بیعت و فرمانبری کامل از پیامبر (ص) و رهبر الهی است: «از خدا و رسولش اطاعت کنید و نزاع نکنید که سست شده و قدرت خویش را از دست می‌دهید.» (انفال، ۴۶) هم‌چنین می‌فرماید: «ای ایمان‌آوردندگان! از خدا و رسول و اولوالامر اطاعت کنید و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و رسول خدا بازگردانید. اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید، این کار برای شما بهتر و عاقبت و پاداش آن نیکوتر است.» (نساء، ۵۹) اهمیت این امر به اندازه‌ای است که خداوند بیعت با رهبر جامعه را بیعت با خود معرفی می‌کند و پیمان‌شکنی و نقض عهد با رهبری را سبب آشوب و فتنه می‌داند. (فتح، ۱۰)

۱. نك: پونتارا، ۱۳۸۴: ۳۱۴.

۲. نك: شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۵.

۳. نك: ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ماده «بیع».

۲-۲-۳. ادب و تواضع در برابر رهبر جامعه

آیات الهی از افراد جامعه اسلامی می‌خواهد که نهایت ادب و تواضع را در برابر پیامبر (ص) به عنوان رهبر جامعه داشته باشند؛ به گونه‌ای که با پیشی نگرفتن بر سخن پیامبر و شتاب نکردن در هنگام بیان نظر و رأی و تصمیم‌گیری، شرایط را برای بهره‌مندی از سخنان و نظرات ایشان فراهم آورند. از این رو می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزی را بر خدا و رسولش مقدم نشمارید... صدای خویش را فراتر از صدای پیامبر بلند نکنید و در برابر او بلند سخن مگویید، آن‌گونه که برخی از شما در برابر بعضی صدایشان را بلند می‌کنند. مبدا اعمال شما نابود شود، حال آن‌که نمی‌دانید.» (حجرات، ۱-۲) نمونه‌ها فراوان دیگری در این باره می‌توان برشمرد که نشان از تأثیرگذاری قرآن بر اخلاق مردم در برابر حاکم اسلامی دارد.

۳-۳. تأثیر قرآن بر وظایف اخلاقی حاکم دولت اسلامی در برابر مردم

۱-۳-۳. تلاش برای استقرار و استقلال نظام اسلامی

قرآن کریم حاکم جامعه اسلامی را موظف کرده است تا تمام توان و قدرتش را در راستای استقرار نظام اسلامی و جلوگیری از هجوم و نفوذ بیگانگان به کار گیرد. از این رو به افرادی که با رهبری جامعه اسلامی سر جنگ دارند و اقدام به فساد می‌کنند، هشدار داده و می‌فرماید: «کیفر آنان که با خدا و رسولش به جنگ برمی‌خیزند و در روی زمین فساد می‌کنند، فقط این است که اعدام شوند، یا به دار آویخته شوند، یا دست و پای آنان به عکس یکدیگر بریده شود، یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آنها در دنیاست و در آخرت مجازات عظیمی دارند.» (مائده، ۳۳-۳۴)

۲-۳-۳. محبت و دوستی با مردم

از دیدگاه قرآن کریم یکی از وظایف حاکم و مدیران اسلامی رأفت و مهربانی با مردم است: «ای پیامبر! بال عطف خود را برای مؤمنان فراگستر.» (حجر، ۸۸) به طور کلی رمز موفقیت پیامبر را محبت و مهربانی ایشان با مردم معرفی می‌کند و می‌فرماید: «به رحمت الهی، در برابر مردم نرم و مهربان شدی. اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنان را ببخش و برای آنان آموزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن.» (آل عمران، ۱۵۹)

۳-۳-۳. عدالت‌ورزی

«عدالت» به معنای بازداشتن خویش از ستم به مردم و پایمال کردن حقوق آنان بیشتر از دیگر معانی عدالت مورد تأکید قرآن کریم است: «هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید.»

(نساء، ۵۸) و می‌فرماید: «خداوند متعال به عدل و نیکوکاری فرمان می‌دهد.» (نحل، ۹۰) بنابراین آیات الهی زمامداران را به رعایت عدالت در همه عرصه‌های حکومت و تعامل با مردم دعوت می‌کند.

۴-۳-۳. امانت‌داری

آیات الهی، مردم به‌ویژه حاکمان و زمامداران را به رعایت امانت‌داری توصیه می‌کند و امانت‌داری را در معنایی وسیع از جمله اموال دیگران، بیت‌المال و اسرار نظامی بیان فرموده است و از آنها می‌خواهد تا امانت را به صاحبانش بدهند و در داوری، به عدالت رفتار کنند (نساء، ۵۸) و دلیل پذیرش خزانه‌داری از سوی یوسف پیامبر را نیز امانت‌داری و دانش وی معرفی می‌کند. (یوسف، ۵۵)

۵-۳-۳. پرهیز از استبداد و مشورت با مردم

از دیدگاه قرآن مشورت در تصمیم‌گیری، تا آن‌جا مهم است که خداوند متعال به پیامبرش که عقل کل است، فرمان می‌دهد که با مردم مشورت کن (آل عمران، ۱۵۹) و در آیه‌ای دیگر این وصف را در امور جامعه از ویژگی‌های مؤمنان برمی‌شمارد. (شوری، ۳۸) بنابراین یکی از اموری که دولتمردان و حاکمان باید رعایت کنند، پرهیز از خودکامگی و خودرأیی است.

۴-۳. تأثیر قرآن بر اخلاق بین‌المللی

منظور از اخلاق بین‌المللی، توصیه‌های اخلاقی است که باید مردم جامعه اسلامی در برخورد با دیگر جوامع به‌کار گیرند و به دو گونه است: ۱. جوامعی که حقوق مسلمانان را محترم می‌شمارند؛ ۲. کافرانی که حقوق مسلمانان را محترم نمی‌شمارند.^۱ البته از دیدگاه قرآن، وظایف مسلمانان در برابر دو گروه یادشده متفاوت است.

۱-۴-۳. وظایف اخلاقی مسلمانان در برابر جوامع غیرمحراب

۱-۴-۳-۱. دعوت به اسلام

اولین وظیفه اخلاقی مسلمانان در مورد کافران غیرمحراب، دعوت آنان به اسلام است، که باید با موعظه نیکو، حکمت و مجادله احسن صورت پذیرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «(با حکمت و اندرزی نیکو به راه آفریدگارت دعوت نما و با آنان به روشی نیکو استدلال و مناظره کن. پروردگارت بهتر از هر کسی می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده و او به هدایت یافتگان داناتر است.» (نحل، ۱۲۵) در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «(با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است، مجادله نکنید.» (عنکبوت، ۴۶)

۱. نك: مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۳/۴۱۳.

۳-۱-۴-۲. حفظ عزت نفس مسلمانان در برابر کفار

از دیگر وظایف اخلاقی مسلمانان در عرصه بین‌المللی این است که همواره باید سیادت و کرامت خویش را حفظ کنند و در برابر آنان ذلت نپذیرند. از این رو قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ هرگز خداوند برای کافران، بر مؤمنان راهی (برای سیادت و برتری) ننهاده است. (نساء، ۱۴۱)

۳-۱-۴-۳. رعایت احترام متقابل و عدالت

قرآن بر اساس اصل عدالت به مسلمانان توصیه می‌کند در برابر آن دسته از کافران که حقوق مسلمانان را محترم می‌شمارند، با رعایت عدالت و احترام متقابل رفتار کنند و می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُنْفِضُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛ خداوند شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت با کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند؛ چراکه خداوند عدالت‌گستران را دوست دارد. (ممتحنه، ۸) فراتر از این می‌فرماید: حتی در صورتی که بر کافران تسلط یافتید، نباید با آنان بد رفتاری کنید؛ بلکه با رفتار نیک و عادلانه خویش آنان را به اسلام دعوت کنید: «به معبود کسانی که غیر خدا را می‌خوانند، دشنام ندهید، که مبادا آنان از روی جهل به خداوند دشنام دهند.» (ممتحنه، ۸)

۳-۱-۴-۲. وظایف اخلاقی مسلمانان در برابر کافران محارب

در برابر وظایف پیش‌گفته، قرآن کریم دستورات اخلاقی ویژه‌ای درباره برخورد با کافران محارب داده است:

۳-۱-۴-۱. احترام به مقدسات

قرآن کریم مسلمانان را موظف می‌کند که حتی در حال جنگ، به مکان‌های مقدس مانند کلیساها، کنیسه‌ها، مساجد، هر مکان عبادت احترام بگذارند و ماه‌های حرام را محترم شمارند. «تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب او، از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، دوازده ماه است که چهار ماه آن حرام است و این آیین ثابت الهی است. بنابراین در این ماه‌ها بر خویش ستم نکنید.» (توبه، ۳۶) در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «با آنان در نزد مسجدالحرام (منطقه حرم) نجنگید؛ مگر این که در آن جا با شما بجنگند.» (بقره، ۱۹۱)

۳-۱-۴-۲. رعایت افراد بی‌طرف، کهن سالان، زنان و کودکان

قرآن کریم به مسلمانان توصیه اخلاقی می‌کند که در حال جنگ نباید متعرض کسانی شوند که در

جنگ شرکت ندارند یا توانایی جنگیدن ندارند: «چرا در راه خداوند، و مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! افراد ستمدیده می‌گویند: خداوند! ما را از این شهر ستمدیده بیرون ببر و برای ما سرپرستی قرار بده و از جانب خود یار و یاور برای ما تعیین فرما.» (نساء، ۷۵)

۳-۲-۴-۳. استقامت در نبرد

قرآن کریم در آیات بسیاری، مسلمانان را به صبر و پایداری در نبرد با کافران محارب دعوت می‌کند و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! زمانی که در میدان نبرد با گروهی روبه‌رو می‌شوید، ثابت قدم باشید؛ خداوند را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید... صبر و استقامت کنید، که خداوند با استقامت کنندگان است.» (انفال، ۴۵-۴۶) در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! استقامت کنید؛ در برابر دشمنان پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید.» (آل عمران، ۲۰۰) و کسانی را که در برخورد با دشمن سستی نشان می‌دهند و فرار می‌کنند، سرزنش و نکوهش کرده و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! زمانی که با انبوه کافران در میدان نبرد روبه‌رو می‌شوید، به آنان پشت نکنید. هر کس از جنگ روی برگرداند، مگر کسانی که برای حمله مجدد یا به قصد پیوستن به مجاهدان بوده، چنین کسانی به غضب الهی گرفتار می‌آیند و جایگاه آنان جهنم است و چه بد سرانجامی است.» (نفال، ۱۵-۱۶)

۳-۲-۴-۴. پذیرش صلح

قرآن کریم مسلمانان را به رفتار متین و همراه با آرامش و صلح دعوت می‌کند، تا آن‌جا که اگر از سوی کافران صلح پیشنهاد شد، در صورتی که در این پیشنهاد مکر و نیرنگ نباشد، با رعایت احتیاط و مراقبت‌های لازم، صلح را بپذیرند: «اگر مایل به صلح و سازش شدند، شما نیز آن را بپذیرید.» (انفال، ۶۱) البته آیات بسیاری را در زمینه اخلاق سیاسی می‌توان جست‌وجو کرد که ذکر نمونه‌های یادشده، مقصود پژوهش را اثبات می‌کند.

۴. مرجعیت علمی قرآن کریم در دانش فقه سیاسی

لايه سوم وجودی انسان، افعال ظاهر و کارکرد خارجی اوست. قرآن کریم در راستای پاسخ به این نیاز، فقه را تأسیس کرده و با هدف تعیین احکام رفتارهای سیاسی مکلف، فقه سیاسی را ارائه داده است. بر این اساس عرصه‌های تأثیرگذاری قرآن کریم بر دانش فقه سیاسی افزون‌تر از دیگر دانش‌های سیاسی است.

فقه سیاسی مجموعه قواعد و اصول فقهی و حقوقی ای است که عهده‌دار تنظیم روابط مسلمین با خودشان و ملل غیرمسلمان عالم بر اساس مبانی قسط و عدل است. (شکوری، ۱۳۶۱: ۱/ ۷۱) قرآن سهمی بزرگ در ایجاد مفاهیم و مسائل فقه سیاسی دارد.

۴-۱. مرجعیت قرآن در مفاهیم فقه سیاسی

قرآن کریم با ایجاد مفاهیمی مانند: «بغی» (یونس، ۲۳؛ شوری، ۴۲؛ حجرات، ۹) و «افساد در زمین» که با مشتقات آن ۴۹ بار در قرآن تکرار شده است (مانده، ۳۳-۳۲-۶۴-۱۱۶)، «محاربه» (مانده، ۳۳) «جهاد» (توبه، ۴۳-۷۳-۱۲۳)، «طغیان» (مانده، ۶۴؛ مؤمنون، ۷۵؛ نازعات، ۱۷) «طاغوت» (بقره، ۲۵۶-۲۵۷؛ نساء، ۵۱-۶۰-۷۶)، «اولی الامر» (نساء، ۵۹-۸۳)، «ولایت» (کهف، ۴۴)، «ولی» (بقره، ۲۵۷؛ جاثیه، ۱۹) در فقه سیاسی، تأثیر عظیمی در شکل‌گیری فقه سیاسی داشته است.

۴-۲. مرجعیت قرآن در ایجاد قواعد فقه سیاسی

قرآن کریم افزون بر ایجاد مفاهیم فقه سیاسی، در تأسیس قواعد فقهی، به طور عام و ایجاد قواعد فقه سیاسی به طور خاص تأثیر داشته است که به صورت تأسیسی، اصلاحی یا امضائی بیان می‌شود. امروزه ماهیت اصول و روش‌های روابط بین‌الملل بر اساس پشتوانه نظری آن، با موازین انسانی و اخلاقی سازگار نیست؛ بلکه آمیخته با توطئه‌های گوناگون، اتکا به قدرت، تطمیع، حمایت‌های صوری، تزویر و تهدیدات، رفتارهای حاکمانه، عهدشکنی، فریبکاری و نفاق می‌باشد.^۱ اکنون سؤال این است که قرآن کریم چه اصولی را در راستای تأثیرگذاری بر دانش روابط بین‌الملل مطرح کرده است؟ قرآن کریم با بیان اصول و مبانی روابط بین‌الملل در ایجاد این دانش مؤثر بوده و آن را همراه با ارزش‌های انسانی، اخلاقی و الهی مطرح می‌کند. مهم‌ترین اصول سیاست خارجی قرآن کریم عبارتند از:

۴-۲-۱. اصل نفی سلطه بیگانگان (نفی سبیل)

قرآن کریم اصل نفی سلطه بیگانگان بر مسلمانان را به صورت تأسیسی مطرح می‌کند، که در فقه سیاسی و برخی از دانش‌های مرتبط با سیاست مورد توجه قرار گرفته است. این اصل برگرفته از این آیه است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا.» (نساء، ۱۴۱)

درباره مفهوم واژه «سبیل» اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی چنانچه به معنای سلطه و سلطنت باشد، معنای «نفی سبیل» این است که هیچ راهی برای سلطه دشمنان بر مسلمانان نیست و

مسلمانان باید از هر گونه سلطه و کاری که به سیطره دشمنان بر مؤمنان بینجامد، در تمام عرصه‌های اجتماعی پرهیز کنند. البته برخی دانشوران و مفسران، زمان و مکان سلطه نداشتن را آخرت دانسته‌اند^۱ و دانشورانی مانند علامه طباطبائی انکار سلطه و سبیل را در دنیا و آخرت می‌دانند؛^۲ به این معنا که کافران در دنیا و آخرت سلطه‌ای بر مؤمنان نخواهند داشت. البته این سلطه نداشتن زمانی رخ می‌دهد که مؤمنان به تمام لوازم ایمان خویش عمل کنند. بنابراین مسلمانان نباید کفار را تکیه‌گاه و سرپرست خود برگزینند. در نتیجه بنا بر اصل نفی سبیل، راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی باید مسدود گردد. بنابراین، آیه شریفه یک جنبه سلبی (نفی سلطه بیگانگان) و یک جنبه ایجابی (وظیفه حاکمان در حفظ استقلال) دارد. بر این اساس حضرت امام خمینی (ره) ضمن تأکید بر استقلال همه‌جانبه امت اسلامی، برای نفی سلطه بیگانگان به این قاعده استدلال کرده و می‌فرماید:

«قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیر مسلم بر مسلم قرار نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع شود؛ یک تسلطی، یک راهی، اصلاً یک راه نباید پیدا کند».^۳ خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ.» (نساء، ۱۴۴) سپس در آیه بعد، پذیرش ولایت کافران و رها کردن ولایت مؤمنان را نفاق معرفی می‌کند و از مؤمنان می‌خواهد از چنین کاری پرهیزند.

این اصل دانش سیاسی قرآن، افزون بر تأثیر در تئوری سیاست خارجی، گاه در عرصه عمل نیز محقق شده است. فتوای تاریخی میرزای شیرازی در تحریم تنباکو و فتوای حضرت امام خمینی (ره) در مورد قرارداد کاپیتولاسیون، از نمونه‌های عملی نفی سبیل و تحقق خارجی و عملی این اصل است.

۴-۲-۲. اصل التزام به پیمان‌های سیاسی

قرآن کریم وفای به عهد و پابندی به پیمان را در آیات متعدد و به صورت مطلق مورد تأکید قرار می‌دهد. (اسراء، ۳۴؛ بقره، ۱۷۷؛ مؤمنون، ۸؛ معارج، ۴۲؛ مائده، ۱؛ آل عمران، ۷۶) افزون بر این، در سیاست خارجی دولت اسلامی نیز یکی از اصول برجسته قرآنی، وفای به عهد و پیمان است. بر اساس قانونی که قرآن در این زمینه می‌گذارد، دولت اسلامی موظف است بر اساس آن، همه پیمان‌های سیاسی و نظامی بسته شده با دیگر جوامع را محترم شمرده و به آن‌ها پایبند باشد.

۱. نك: طبرسی، ۱۴۱۵: ۵ / ۱۱۴.

۲. نك: طباطبائی، ۱۳۶۴: ۵ / ۱۱۶.

۳. نك: موسوی خمینی، ۱۳۹۱: ۴ / ۳۱۷-۳۱۸.

در برخی آیات قرآن به طور مطلق به رعایت پیمان‌ها اشاره شده و برخی دیگر التزام به پیمان را یک تکلیف و مسئولیت عنوان می‌کند. هم‌چنین برخی آیات ضمن تأکید بر وفاداری و پایبندی به قراردادهای و پیمان‌ها، آثار بدعهدی را بیان می‌فرماید. بر این اساس، همه مفسران بر وجوب وفای به عهد و حرمت نقض پیمان و خیانت اتفاق نظر دارند.

با توجه به اطلاق واژه «عقد» و «عهد» و شمول آن بر همه میثاق‌ها و پیمان‌ها (چه کتبی و چه شفاهی)، گستره آن نیز وسیع است و شامل همه پیمان‌ها در تمام عرصه‌های مالی، امنیتی، اقتصادی، تعهدات سیاسی، نظامی، تسلیحاتی و غیره می‌شود.^۱ بنابراین تأثیر تأسیسی قرآن بر قواعد و اصول سیاست بین‌المللی روشن و آشکار است.

افزون بر اصول یادشده، اصل ایجاد صلح و میانجی‌گری میان کشورهای مسلمان، اصل عزت و سیادت دینی، اصل ظلم‌ستیزی و اصل مقابله‌به‌مثل را نیز می‌توان از آیات قرآن استخراج کرد. بنابراین قرآن کریم با مجموعه‌ای از آیات، بر اصول و قواعد کلی سیاست خارجی و بین‌المللی تأثیر نهاده و مسائل آن را شکل می‌دهد و آن را به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل دانش سیاسی مطرح می‌سازد.

۴-۳. مرجعیت قرآن کریم در غایات فقه سیاسی

قرآن کریم با طرح مفاهیم و مسائل فقه سیاسی، نخست هدف عام فقه (تعیین وظایف مکلفین) نسبت به تکالیف سیاسی را دنبال می‌کند؛ اما افزون بر این، با تنظیم احکام و وظایف مکلفان می‌تواند اهدافی چون سعادت دنیوی انسان یا رسیدن به هدف اخروی را نیز مد نظر قرار دهد. به عنوان نمونه: بحث امامت که در قرآن به آن پرداخته شده، در زمره مسائل فقه سیاسی و کلام سیاسی جای می‌گیرد و اهداف عامی دارد که شامل اهداف دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و اصلی و فرعی می‌شود. به گفته برخی محققان، فقه سیاسی درباره رهبری جامعه انسانی می‌گوید: «رهبری اصل و اساسی است که پایه‌های ملت بر آن استوار می‌باشد و مصالح امت به واسطه آن انتظام یافته و امور عمومی ثبات می‌یابد.» (مارودی، ۱۴۲۲: ۱۱)

در نتیجه، فقه سیاسی در اهداف عام، با فقه عمومی، مشترک است؛ ولی در بستر اجتماعی، به بهبود زندگی سیاسی و اجتماعی و نظم بخشیدن به آن نیز کمک می‌کند. به عنوان نمونه: اجرای عدالت، یکی از اهداف دانش سیاسی قرآن است که در برخی از مؤلفه‌های فقه سیاسی نهفته است؛ چنان‌که در بحث جهاد که از مباحث فقه سیاسی قرآن است و بارها و در آیات متعددی از

آن یاد شده، گفته‌اند: «هدف از جهاد در اسلام، جلب خشنودی پروردگار، برقرار ساختن عدالت اجتماعی، پیاده کردن دستورات الهی و حمایت از افرادی است که در معرض گمراهی و خطر قرار گرفته‌اند.» (مرادی، ۱۳۸۹: ۷۴) هم‌چنین قرآن کریم با وجود امر به معروف و نهی از منکر غایت سالم‌سازی و تضمین سلامت جامعه را مد نظر قرار داده است. به فرموده امام رضا (ع) همه مسلمانان وظیفه دارند که به امر به معروف و نهی از منکر بپردازند؛ زیرا سلامت جامعه را تضمین می‌کند. در غیر این صورت ستمگران و اشرار بر جامعه حاکم خواهند شد و نتیجه آن، گسترش ظلم و ستم در جامعه خواهد بود.^۱

امنیت به مفهوم فقدان تهدید، یکی از اهداف نظام سیاسی قرآن است و «مرتب‌نهایی و اعلا‌ی امنیت، زمانی است که اساساً عامل تهدید کننده‌ای در خارج وجود نداشته باشد و دولت واحدی بر مبنای عدالت و صلاح، در همه نقاط گیتی حاکم گردد.» (موسوی کاشمیری، ۱۳۸۸: ۵۷) جهاد یک حالت استثنایی است که فقط به منظور بازگرداندن اجتماع به حالت صلح و امنیت و عدالت، از آن استفاده می‌شود.^۲ افزون بر این، اصل آمادگی برای جنگ و جهاد و فراهم آوردن تسلیحات نظامی و تقویت قدرت در همه عرصه‌ها با هدف و غایت ناامید کردن دشمنان، از تسلط بر مسلمان صورت می‌گیرد. (انفال، ۶۰)

۶. نتیجه‌گیری

قرآن کریم به منزله آخرین پیام الهی برای تأمین و تعیین مسیر سعادت انسان، در عرصه‌های سیاسی نیز مرجعیت (تأثیر معنادار و جامع) دارد. آیات الهی در مسیر پاسخ به اقتضائات لایه‌های وجودی انسان (که عبارتند از: ۱. عقل و قوت استدلال؛ ۲. نفس و قلب و گرایش حبّ و بغض؛ ۳. ظاهر و رفتار) اقدام به بیان مسائل مرتبط با نیازهای این لایه‌های وجودی بشر کرده‌اند. در لایه نفس انسان در عرصه سیاست نیز «اخلاق سیاسی» و در لایه عقل دانش «کلام سیاسی» و در لایه ظاهر و رفتار و عمل خارجی انسان، دانش «فقه سیاسی» را تأسیس و تبیین می‌کند.

آیات الهی با ایجاد مفاهیم کلامی جدید و اثبات مشروعیت الهی، سایر مشروعیت‌ها را رد کرده و با تبیین مسئله رهبری، ویژگی‌ها و شرایط آن، کلام سیاسی متفاوتی را ارائه کرده است تا بدین وسیله به نیاز عقلی انسان در عرصه سیاست پاسخ گوید.

۱. نك: کلینی، ۱۳۸۸ق: ۵ / ۵۶.

۲. نك: سیحانی، ۱۳۷۰: ۷-۹.

قرآن کریم در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای قلبی و نفسی انسان در حوزه سیاست، نخست به اخلاق اصالت بخشیده و در سه بخش: ۱. تأثیرگذاری در اخلاق و وظایف مردم نسبت به رهبری و حکومت؛ ۲. وظایف و اخلاق حاکم و دولت در برابر مردم؛ ۳. اخلاق در عرصه بین‌المللی در دو حوزه برخورد و رفتار با جوامع غیرمحارب و جوامع محارب، دانش اخلاق سیاسی جامع و کاملی را ارائه می‌کند.

از آن‌جا که بخش عمده زندگی انسان را رفتارهای اجتماعی و سیاسی وی تشکیل می‌دهد، قرآن کریم با تأسیس مفاهیم سیاسی، به تبیین تکالیف سیاسی انسان پرداخته است و اصول و قواعدی مانند «نهی سبیل» و اصل «التزام به معاهدات بین‌المللی» را ارائه نموده و غایات و نتایج دانش فقه سیاسی قرآن‌بنیان را بیان کرده است. بنابراین با تأثیرگذاری قرآن در کلام سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی، دانش سیاسی قرآن‌بنیان و متعالی به هدف سعادت انسان در حوزه سیاست شکل گرفته است. پیشنهاد می‌شود حوزه‌های دیگر مانند عرفان سیاسی و فلسفه سیاسی نیز مورد تأمل و تحقیق قرار گیرد و مرجعیت قرآن کریم در این عرصه‌ها تبیین شود.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابن منظور، ابوالفضل و محمد بن مکرم جمال‌الدین (۱۴۱۴)، لسان العرب، چاپ اول، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۴)، مبانی سیاست، چاپ دهم، تهران: انتشارات توس.
- احمد بن فارس بن زکریا، محمد (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ارسطو (۱۳۸۵)، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمدحسن لطفی، چاپ دوم، تهران: انتشارات طرح نو.
- اصفهان‌ی، محمدعلی (۱۳۹۰)، منطق تفسیر قرآن (۳)، چاپ اول، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۴)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید.
- آقابخشی، علی و مینو افشاری راد (۱۳۷۴)، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ اول، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- بابایی، غلامرضا و بهمن آقایی (۱۳۹۴)، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ اول، تهران: انتشارات ویس.
- بستان، حسین (۱۳۹۲)، گامی به سوی علم دینی، چاپ دوم، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- بشریه، حسین (۱۳۸۷)، آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، چاپ نهم، تهران: نگاه معاصر.
- بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۹۲)، «رویکردهای مطالعات سیاسی قرآن، پژوهش‌های سیاست اسلامی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال اول، شماره ۲، صص ۳۹-۶۲.
- التهانوی، محمدعلی (۱۹۹۶)، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، چاپ اول، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- جاسمی، محمد و بهرام جاسمی (۱۳۵۷)، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ اول، تهران: گوتنبرگ.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱)، امامت‌پژوهی (بررسی دیدگاه‌های امامیه، معتزله و اشاعره)، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۸)، وحی و رهبری، چاپ اول، تهران: انتشارات علامه طباطبائی.
- پونتارا، جولیانو (۱۳۸۶)، اخلاق، سیاست، انقلاب، به نقل از احمدحسین شریفی، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، چاپ اول، قم: نشر معارف.
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۳۷۸)، دنیا بازیچه یهود، چاپ اول، اصفهان: نشر حجت.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۱)، چهل حدیث، چاپ دوم، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۱)، صحیفه امام، ۲۲ جلد، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی... / قاسمی ۱۱۷

- مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۹۲)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، چاپ هفتم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات، چاپ اول، لبنان: دارالعلم.
- رضائی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۲)، منطق تفسیر قرآن (۵)، قرآن و علوم طبیعی و انسانی، چاپ اول، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- رضائی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۸)، سخن سر دبیر، ماهنامه معارف، آذرماه.
- رضائی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۶)، «مرجعیت علمی قرآن کریم»، سلسله منشورات کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- رضائی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۶)، «نظریه پردازی های علمی قرآن»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۹، صص ۵۷-۸۶.
- زمخشری، محمود بن عمر (بی تا)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۰)، مبانی حکومت اسلامی، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سوزنجی، حسین (۱۳۸۹)، معنا، امکان و راه کارهای تحقق علم دینی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شریفی، عنایت الله (۱۳۸۸)، «اخلاق سیاسی از منظر قرآن کریم»، فصلنامه خط اول (رهیافت انقلاب اسلامی)، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۹۷-۱۱۲.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۱)، فقه سیاسی اسلام، چاپ اول، تهران: بی نا.
- صافی، ملامحسن فیض (۱۴۱۵)، تفسیر الصافی، چاپ دوم، تهران: انتشارات صدر.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۶۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- طبرسی، فضل بن الحسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طوسی، محمدرضا و عبدالرؤف عالمی (۱۳۹۶)، «رابطه مرجعیت علمی قرآن با جهانی، جاودانگی و جامعیت قرآن»، مجموعه مقالات اولین کنگره ملی قرآن و علوم انسانی، قم: نشر المصطفی.
- عالمی، عبدالرؤف (۱۳۹۶)، «مرجعیت علمی قرآن کریم در حوزه علوم انسانی»، پژوهش نامه علوم انسانی اسلامی، دوره ۳، شماره ۵، صص ۱۳۵-۱۶۴.
- عظیمی، محمدرشید (۱۳۹۶)، «چیستی و چگونگی مرجعیت قرآن در علوم انسانی»، مجموعه مقالات اولین کنگره ملی قرآن و علوم انسانی، قم: نشر المصطفی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳)، فقه سیاسی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فاستر، مایکل (۱۳۵۸)، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر.
- فرازی، عبدالوهاب (۱۳۹۰)، دانش سیاسی در حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- فیض کاشانی، مولی محسن (بی تا)، محجة البیضاء، جلد ۵، قم: النشر الاسلامی.
- قرطبی، محمد بن احمد انصاری (۱۴۰۵)، تفسیر قرطبی، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ ق)، اصول کافی، به کوشش علی اکبر غفاری، بی جا، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- لاریجانی، صادق (۱۳۷۶)، «رویکرد نظام سیاسی»، مجله معرفت، شماره ۲۵، صص ۸-۲۴.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۱)، اندیشه سیاسی صدرالمتألهین، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.
- ماکیاولی، نیکولا (۱۳۹۴)، شهریار، ترجمه داریوش آشوری، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه.
- ماوردی، علی بن محمد (۱۴۲۲)، الاحکام السلطانیه، چاپ ششم، بغداد: المجمع العلمی.
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۷۲)، مبانی و کلیات علوم سیاسی، چاپ اول، تهران: نشر اسلامی.
- مرادی، علی اصغر (۱۳۸۹)، واژه نامه فقه سیاسی، چاپ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۹)، بحثی کوتاه پیرامون حکومت اسلامی و ولایت فقه، چاپ اول، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲)، رابطه علم و دین، تحقیق و نگارش علی مصباح، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، آشنایی با علوم اسلامی (بخش کلام)، مجموعه آثار شهید مطهری، جلد ۳، تهران: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- موسوی کاشمری، سید مهدی (۱۳۸۸)، دولت اسلامی و امنیت، چاپ اول، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
- نراقی، ملا محمد مهدی (۱۴۰۸)، جامع السعادات، بی جا، بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات.
- نوابخش، مهرداد و فاروق کریمی (۱۳۸۸)، «واکاوی مفهوم قدرت در نظریات میشل فوکو»، نشریه مطالعات سیاسی، دوره اول، شماره ۳، صص ۴۹-۶۳.
- وینسنت، اندرو (۱۳۸۳)، نظریه های دولت، ترجمه حسین بشیریه، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- هابز، توماس (۱۳۸۵)، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، چاپ سوم، تهران: نشر نی.